عکس: مهر

وضعیت بحرانی آب در استان مرکزی

ساوه دیگر انار ندارد

مهدی فروزمنش

زرشک! این چاره پی چارگی کشاورزان ساوه به خشکسالی است. به چاه‌هایی که دیگر آب ندارند و به درختانی که تک به تک جانشان را از دست می‌دهند.

سرزمین انارهای قرمز در حال دگردیسی است، در حال رفتن به سمت کاشت زرشک که آخرین چاره کشاورزانی است که «دیگر تحمل ندارند». این جمله رسول است که یکی از بزرگترین باغ‌های انار اطراف ساوه را دارد. البته که خودش می‌گوید «این جا دیگر باغ نیست.» موهای سفید و دست‌های زبری دارد. افتخار می‌کند که باغ چند هکتاریش را از چند درخت کوچک شروع کرد اما نگران است که دوباره دارد به همان چند درخت می‌رسد. توی باغ قدم می‌زند و حسرت‌بار دستش را به بدنه درخت‌های انار می‌کشد. می‌گوید «انار درخت ظریفی است، به این هیکلشان نگاه نکن، مثل یک دختر بچه لوت هستند. آب و غذاشان که دیر و زود شود محصول نمی‌دهند.»

طوری حرف می‌زند که انگار تازه کم‌آبی را درک کرده است. سال‌های عمرش را پای این ۸ هکتار گذاشته و این روزها همه چیز را در خطر می‌بیند، می‌گوید «بالاخره من هم مجبور شدم، زرشک بکارم، اما مگه می‌شه انار روول کرد. انار مال ساوه است، اما دیگه آبی برالش نیست.»

حرف‌های مشابه این را از بسیاری از باغداران ساوه می‌توان شنید، متخصصان کاشت انار که این روزها تمام زندگی‌شان به تمام شدن آب محدود است. خوشبین‌ها زندگی را تمام شده نمی‌دانند اما بدبین‌ها می‌گویند که همین‌طور پیش برود تا ۵ سال آینده دیگر اثری از ساوه بیرون نمی‌رود. رسول هم از دسته دوم است. توی اتاقک کنار باغ سیگارش را گیر انداده و به دیوار تکیه کرده است. چای می‌خورد و به جایی در لابه‌لای درخت‌ها خیره شده است. «انار درخت غرق آبی، یعنی آب زیاد می‌خوره. آن قدر باید بهش آب داد که کپه بغلی‌ش رو خیس کنه حالا فکر کن تو این بی‌آبی چطور می‌شه».

همسایه‌اش را هم دعوت کرده، پیرمردی همسن و سال خودش که ۶۵ ساله می‌زند. هر جمله‌ای که می‌گوید با انگشت‌های صاف شده دستش روی رانش ضرب می‌گیرد. «خوب بلدمه، با بابای خدابیامرزم، تو همین باغ چهار متر کندیم و به آب رسیدیم، اما می‌دونی چطور شده الان...»

سوال و جوابشان از یکدیگر است انگار. رسول می‌گوید: «پسر علی روشن تو خندلب تعریف می‌کرد، عمق چاهمابه ۴۰۰ متر رسیده.»

«راس می‌گی رسول.»

«دروغم چیه مشتی.»

حرفش کاملا درست است. در میان کوه‌های تُنُک شمال شرقی شهر اراک و ساوه، تفرش شهری است که به اندازه ساوه به باغ‌ها و محصولات کشاورزی‌اش شهره است. به گردوها و بادام‌هایش. تفرش داخل دره است و بنابراین، هر بیننده‌ای در مسیرش به این شهر یک منظره فوق‌العاده از شهر و باغ‌هایش که مثل نگینی شهر را در بر گرفته‌اند، می‌بیند اما این منظره زیبا درون نگران کننده‌ای دارد. کم‌آبی به این شهرستان هم رسیده است، به شهرستانی که یکی از پرآب‌ترین رودخانه‌های استان مرکزی را در خودش جای داده بود، رودخانه قره چای. به قول علیرضا تفرشی‌زاده، جوان دانشجوی کشاورزی «بدتر از همه این است که تفرش یک شهر کوهستانی است و نباید مشکل آب داشته باشد، اما دارد». بنابر یک گزارش رسمی اکنون ۸ روستا در خمین، ۲ روستا در دلیجان، ۷ روستا در اراک، ۳ روستا در تفرش، ۲ روستا در زرندیه و یک روستا در خنداب با بحران جدی کم آبی مواجهند و کار آبرسانی در این مناطق با تانکر و بطری‌های آب به میزان روزانه ۷۰۵ هزار لیتر بین سکنه آنها انجام می‌شود. اما اصلا اینطور نیست که روستاهای خارج از این فهرست در وضع مناسبی به سر می‌برند، اصلا اینطور نیست. در سوی دیگر، شهرستان محلات با حدود ۱۰۰۰ هکتار باغ و زمین کشاورزی با خطر روبه‌رو است. یک کارشناس آب در اراک معتقد است «کلمه در خطر خیلی خوشبینانه است. چون ۳۰۰ هکتار از این میزان کاملا از بین رفته است». مجتبی قاسمیان راد هم چنین می‌گوید: «شاید اوضاع آن جا بدتر هم باشد.» و این جمله را جواد محلاتی از کشاورزان محلات تأیید می‌کند. این جوان ۳۳ ساله که بیشتر گل‌های تزیینی می‌کارد خودش در نقطه‌ای کار می‌کند که چندان مشکل آب در آن وجود ندارد اما می‌گوید، در خانواده‌اش افراد بسیاری را می‌شناسد که به خاطر مسأله آب، باغ و زمین‌هایشان را فروخته و راهی شهر شدند. بیشتر این گندم کاران بعد از سال‌ها کاشت بی‌فایده و کم‌درآمد محصول ناگزیر از ترک شغل شدند. درست مثل کشاورزان منطقه فراهان و شهرستان‌های دیگر. درست مثل فرزند بزرگ رسول که وقتی دید محصول باغ به زحمتی که می‌برد نمی‌ارزد، باغ و پیرمرد را رها کرد و با سرمایه‌ای که داشت دور میدان انقلاب غرفه‌ای برای فروش جوراب و کمربند اجاره کرد. رسول می‌گوید: «سال‌هایی بود که ما از هر هکتار باغ ۲۵ تن انار برداشت می‌کردیم اما چند سالی است که اگر ۱۰ تن برداریم، خوشحالیم».

> **شرایط اقلیمی موجب شده در حال حاضر سطح آب سفره‌های زیرزمینی استان در اغلب دشت‌ها به طور میانگین ۱۵ متر افت داشته باشد که ادامه این روند معضلات جدی نظیر افزایش شوری و سختی آب‌ها و چالش تأمین آب را به همراه دارد**

چندی قبل مدیرعامل آب استان مرکزی وضع استان را به ایران اینطور توضیح داد که به قول رسول نزدیک به فاجعه است و نشانه‌ای برای این که با این وضع در چند سال آینده ساوه دیگر انار نخواهد داشت.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان مرکزی گفته بود، ۱۳ سال خشکسالی مداوم در این استان حجم آب مخازن سدهای استان مرکزی را ۵۰ درصد کاهش داده است. در همین حال مجتبی قاسمیان راد هم می‌گوید، شرایط اقلیمی موجب شده در حال حاضر سطح آب سفره‌های زیرزمینی استان در اغلب دشت‌ها به طور میانگین ۱۵ متر افت داشته باشد که ادامه این روند معضلات جدی نظیر افزایش شوری و سختی آب‌ها و چالش تأمین آب را به همراه دارد.

زرشک، رسول، در انتهای باغ، دور از درخت‌های انارش، دست روی درخت قرمز رنگی می‌گذارد که برگ‌های بیضی شکل و دندانه‌ای دارد. بیشتر از ۵ عدد نیست که تنگ هم در یک محوطه سنگ‌چین شده قرار گرفته‌اند. «این درخت زرشکه. کاشتم که اگه جواب داد، کل باغ یا نابه، بیشترش رو زرشک بکارم». همسایه‌اش دستی روی شاه‌انار می‌گذارد، می‌خواهد چیزی بگوید اما نمی‌گوید و می‌رود و رسول می‌ماند و درخت زرشکی که دانه بیضی شکل کوچکی دارد که تنها کمی از دانه‌های انار بزرگترند. فقط کمی از دانه‌های انار.

جامه سیاه نفت بر تن سواحل خزر

نسیم محمدی

از سال ۱۳۹۵ دریای شمال ایران تنها مختص ماهی‌گیری و شنا نیست، بلکه محل استحصال نفت نیز خواهد شد! این، استاندار گیلان اعلام کرده است.

سکوی نفتی سردار جنگل رودسر در گیلان تنها سکوی نفتی ایران در دریای شمال است که با هدف اکتشاف، حفاری و انتقال نفت در حال ساخت است.

محمدعلی نجفی، استاندار گیلان در نشست نمایندگان ۵ کشور حاشیه دریای خزر که سال گذشته در استانداری استان گیلان با حضور پروین فرشچی، معاون دریایی سازمان محیط‌زیست برگزار شد، اعلام کرده بود بهره‌برداری از میدان نفتی رودسر در سال ۹۵ آغاز خواهد شد، هرچند که این وعده با سکوت نمایندگان سازمان محیط‌زیست همراه شده بود.

استاندار گیلان در شرایطی وعده به تولید رسیدن این سکوی نفتی و گازی را می‌دهد که پروژه از آغاز فاقد ارزیابی زیست‌محیطی بود.

طبق آیین‌نامه ارزیابی مصوبه شورایعالی حفاظت محیط‌زیست، میادین نفت و گاز در هر مقیاس، اسکله‌ها و سکوهای نفتی، پتروشیمی و پالایشگاه در هر مقیاس مشمول ارایه گزارش ارزیابی محیط‌زیستی هستند. اما برای سکوی نفت و گاز سردار جنگل پس از گذشت سه سال از آغاز ساخت، بررسی اثرات توسعه این پروژه هنوز آغاز نشده است.

نکته قابل توجه اینجاست که طبق قانون، هر پروژه‌ای قبل از اجرا باید مصوبه محیط‌زیست داشته باشد.

در مصوبه شماره ۳۲۷۱۹ ت ۲۵۸۴۳ ه مورخ ۸۱/۷/۱۶ و اصلاحیه آن آمده است که استقرار صنایع شیمیایی که در فرآیند تولید دارای فاضلاب صنعتی هستند در استان‌های شمالی ممنوع است با این حساب، شمولیت این قانون سکوی نفت و گاز سردار جنگل را هم دربر می‌گیرد. از این رو از ابتدا بدون ارزیابی زیست‌محیطی اقدام به آغاز پروژه کردند.

اکتشاف و استخراج نفت در شمال ایران در زمان ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد و توسط رستم قاسمی، وزیر سابق نفت مطرح شد. این خود پاسخی بود به سیل فزاینده خواسته‌های مردم.

جدای از این که استقرار صنایع نفت و گاز در یک محدوده جغرافیایی برای آنجا امتیازاتی به همراه دارد، باید توجه داشت که درصدی از درآمدهای حاصل از استخراج و فروش آن به همان استان اختصاص خواهد یافت؛ از این رو ۲ درصد سود استخراج از سکوی سردار جنگل در اختیار استانداری گیلان قرار خواهد گرفت. بنابراین پربیراه نیست که استاندار گیلان از حامیان این طرح باشد، چرا که منابع مالی استان را افزایش خواهد داد.

در شرایطی که کل اعتبار عمرانی استان از حدود ۱۶۰ میلیارد تومان تجاوز نمی‌کند، این دو درصد می‌تواند رقم چشمگیری باشد. بنابراین هم‌آکنون شاهد آن هستیم که استاندار گیلان نیز به لیست عوامل پیگیر برای احداث این تأسیسات نفتی اضافه شده است.

از سوی دیگر آغاز این پروژه با اختصاص صد هکتار از اراضی ساحلی احمدآباد رودسر برای ساخت سکوی نفتی و تأسیسات ساختمانی مربوط به آن صورت گرفت.

اما از آن جایی که اراضی پیشنهادی برای واگذاری به شرکت نفت تنها باریک در امتداد ساحل رودسر بود و وسعت آن از ۱۵ هکتار تجاوز نمی‌کرد، باقی زمین‌های این منطقه که جنگل دست کاشت بود نیز در اختیار شرکت نفت خزر قرار گرفت.

این درحالی است که طبق آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی اصلاح لایحه قانونی واگذاری واحیای اراضی، مصوبه شورای انقلاب در سال ۵۹ واگذاری جنگل‌های دست کاشت ممنوع است. مصوبات شورای انقلاب به طور دقیق‌تر از بافاقون است.

> **طبق آیین‌نامه ارزیابی مصوبه شورایعالی حفاظت محیط‌زیست، میادین در هر مقیاس، پتروشیمی و پالایشگاه در هر مقیاس مشمول ارایه گزارش ارزیابی محیط‌زیستی هستند**

با توجه به این که بیشترین فعالیت برای ادامه هرچه سریع‌تر این پروژه در ۶ ماه گذشته صورت گرفته است، عدم اعتراض مدیران سازمان محیط‌زیست مسأله‌ای تأمل برانگیز است.

در این مورد طبق لوایح قانونی چگونگی واگذاری یا اجاره این جنگل‌های دست کاشت هم از جمله مسائلی است که سازمان جنگل‌ها و مراتع باید پاسخی برای آن ارایه دهد.

با استناد به تصاویر موجود حدود ۲۸ هکتار از اراضی جنگل کاری شده قطع یکسره شده است که آثار باقی مانده از تنه درختان و علامت و شماره‌های آنها خود بیانگر دریافت مجوز قطع درختان از سوی سازمان جنگل‌ها بدون ارزیابی است. با توجه به سکوت سازمان جنگل‌ها و مراتع و همین طور سازمان حفاظت محیط‌زیست و عدم اقدام قانونی این دو سازمان برای توقف این پروژه به نظر می‌رسد در مورد این پروژه نیز همچون بسیاری از پروژه‌های سدسازی، روند احداث بدون ارزیابی ادامه خواهد داشت.

گذشته از تمام خلاف‌ها و ایراداتی که به این پروژه مربوط است، نقاط تاریک بسیاری در این پروژه وجود دارد که باید به آنها پرداخته شود.

مسأله دیگر این جاست که نوسانات آب خزر به شکلی است که کلیه آلودگی‌های ناشی از اکتشاف نفت در کشورهای حاشیه خزر در نوار ساحلی شمال ایران تجمع می‌کند و در حال حاضر نیز بر اثر فعالیت‌های نفتی کشورهای حاشیه خزر، باشرایط کنونی دریای خزر یکی از آلوده‌ترین دریاهای دنیا محسوب می‌شود.

طبق گفته کارشناسان، خزر با شرایط کنونی قدرت خودپالایی خود را از دست داده و آلودگی آن در حال تبدیل شدن به بحران است تا جایی که هنوز در مورد موج عظیم مرگ و میر دست‌مجمعی ماهی‌های کفال در یک سال گذشته اظهار نظری صورت نگرفته است و علت آن هم در پرده‌ای از ابهام قرار دارد.

علاوه بر این نگرانی دیگری که وجود دارد این است که تبدیل گیلان به استانی نفت‌خیز چه سودی برای مردم این استان دارد؟

از این رو برخی بر این گمانند؛ توسعه‌ای که استاندار گیلان بر طبل آن می‌کوبد نه تنها حاصلی برای بومیان گیلانی نخواهد داشت بلکه به روند بحرانی تر شدن شرایط می‌افزاید.

ذره بین

یادداشتی از فریدذکریا

راه‌حل خشونت مسلحانه، روشن است

ترجمه: منیو میرزایی

اوباما با اعلام این که طرح پیشنهادی درباره کاهش خشونت مسلحانه در آمریکا را به کنگره ارایه خواهد کرد، تعدادی از اقدامات کنترل سلاح را یادآور شد و به خرد جمعی واشنگتن درباره شناسایی علل متعدد و متنوع این قبیل فجایع ادای احترام کرد. سخنگوی او «جِسی کارنی» پیشتر گفته بود که این «یک مسأله پیچیده است که نیازمند راه‌حل پیچیده نیز هست». به نظر او، کنترل اسلحه، چیزی بیش از تنها یک پاسخ دارد. اما در واقع، مسأله، پیچیده نبوده و راه‌حل کاملا روشن است.

مردم آمریکا وقتی درباره حوادثی نظیر تیراندازی نیوتاون صحبت می‌کنند، به سه مجموعه از دلایل اشاره دارند نخست، روانشناسی قاتل، دوم، چو خشونت در فرهنگ عامه این کشور و سوم، دسترسی داشتن به اسلحه. هریک از این دلایل، می‌توانند توجیه‌کننده یک شلیک باشند. چیزی که ما باید برای درک آن بکوشیم، وقوع یک حادثه به‌تنهایی نیست، بلکه این نکته است که دربابیم چرا چندین مورد از این گونه حوادث اتفاق می‌افتد. تعداد مرگ‌ها توسط سلاح گرم در ایالات‌متحده آمریکا در سال ۲۰۱۱ نزدیک به ۳۲ هزار مورد بود. از این تعداد حدود ۱۱ هزار فقره قتل با تفنگ انجام شد.

برای درک این که این رقم چقدر بالاست، آن را با نرخ سایر کشورهای ثروتمند مقایسه کنید. در انگلستان و ولز در سال حدود ۵۰ مورد قتل با تفنگ اتفاق می‌افتد، یعنی ۳ درصد نرخ کشور ما [آمریکا] به ازای هر صدهزار نفر جمعیت. بسیاری اعتقاد دارند که جامعه آمریکا فرد گرا و خشن‌تر از سایر جوامع است. اما باز هم داده‌ها روشنگری می‌کنند. در ایالات‌متحده فراوانی اغلب جنایت‌ها- دزدی، کیف‌زنی، جیب‌بری و تجاوز- همانند سایر کشورهاست. ولی مقوله‌ای که آمریکا در آن به‌طور بسیار قابل‌توجهی پیشتاز محسوب می‌شود قتل با اسلحه است.

برمبنای گزارش دفتر مواد مخدر و جرایم سازمان ملل متحد، نرخ قتل با اسلحه در آمریکا ۳۰ برابر فرانسه یا استرالیا بوده و ۱۲ برابر بیشتر از حد متوسط قتل در سایر کشورهای پیشرفته است. چه‌چیز این تفاوت را توضیح می‌دهد؟ اگر روانشناسی دلیل اصلی باشد، قاعدتا باید تعداد شهروندان آمریکایی که از نظر روانی مشکل دارند، در مقایسه با دیگر کشورها ۱۲ برابر بیشتر باشد. اما این گونه نیست. درواقع ایالات متحده آمریکا می‌توانست بهتر عمل کند، چراکه ناهنجاری‌های ذهنی در این کشور جدی گرفته می‌شود و آمریکا در این زمینه بیش از سایر کشورهای همتای خود سرمایه‌گذاری می‌کند.

آیا فرهنگ عامه آمریکا دلیل این مسأله است؟ این نیز غیرمحتمل به‌نظر می‌رسد. چراکه همین فرهنگ به‌طور گسترده‌ای در سایر کشورهای ثروتمند وجود دارد. برای مثال، جوانان در انگلستان و ولز، در معرض تاثیرات فرهنگی تقریبا مشابهی با ایالات‌متحده هستند. اما هنوز نرخ قتل با اسلحه در انگلستان، در مقایسه با آمار آمریکا بسیار ناچیز است. از سوی دیگر، می‌دانیم که ژاپنی‌ها در تولید بازی‌های ویدیویی [خشونت‌بار] پیشرو هستند. با وجود این، نرخ قتل با اسلحه در آن جا نزدیک به صفر است. چرا؟ چون بریتانیا قوانین سختی درباره اسلحه دارد و ژاپن احتمالا محکم‌ترین قوانین مرتبط با این موضوع را در دنیای صنعتی دارا است.

داده‌ها در علوم اجتماعی قویا مبین این نکته است که خشونت مسلحانه در آمریکا بسیار بیشتر از سایر نقاط دنیاست، چراکه قانون، فروش و مالکیت سلاح را مجاز می‌داند. در این رابطه همین بس که بدانیم ایالات متحده آمریکا با داشتن ۵ درصد از جمعیت جهان، قریب به ۵۰ درصد از اسلحه‌های دنیا را دارد.

این روشن است که قوانین سختگیرانه- حتی در کشورهایی که به‌شدت فردگرا هستند و پیشینه طولانی مدت مجازبودن مالکیت اسلحه را دارند- می‌توانند خشونت مسلحانه را کاهش دهند. در استرالیا پس از اعمال محدودیت سال ۱۹۹۶ درمورد تمام سلاح‌های خودکار و نیمه‌خودکار- البته یک محدودیت واقعی، نه مثل آن که ما در آمریکا قانون آن را در سال ۱۹۹۴ با ۶۰۰ تبصره وضع کردیم- قتل‌های مرتبط با اسلحه در طی دهه بعد تا ۹ درصد و نرخ خودکشی با سلاح گرم تا ۶۵ درصد کاهش یافت (تقریبا ۲۰ درصد آمریکایی هرسال با استفاده از اسلحه اقدام به خودکشی می‌کنند؛ روشی که بسیار موفق‌تر از سایر اشکال خودکشی است).

همیشه افراد شیطان‌صفت یا بیمار روانی وجود خواهند داشت و حتی ممکن است تحت‌تأثیر جو خشن فرهنگ عامه قرار گیرند. اما دولت چگونه می‌تواند تاریک‌ترین افکار موجود در ذهن این قبیل اشخاص را پیش از این که آن را در عمل پیاده کنند، شناسایی کند؟ مطمئنا کسانی که مصرند دولت در ایستادگی در برابر خشونت مسلحانه میانه‌رو باشد، نمی‌خواهند افکار شان تحت‌نظارت دولت قرار گیرد.

در عوض، چرا دولت کاری نکند که بسیار ساده‌تر بوده و موفقیت آن ثابت شده است: محدود کردن دسترسی به اسلحه از یک طرف و وضع قوانین بدون استثنا و تبصره از سوی دیگر. اگر این کار انجام شود دیگر لابی اسلحه نمی‌تواند از قانون برای ثابت کردن این امر خلاف واقع، استفاده کند که چنین محدودیت‌هایی خشونت آمریکا را کمتر نمی‌دهند. مشکلی که کشتار نیوتاون را رقم زد، پیچیده نیست، راه‌حل ما نیز. ما در یافتن پاسخ مشکلی نداریم. چیزی که امروز در آمریکا کم‌داریم، شجاعت است.

ماموریت بانک جهانی که بر سر در دفتر واشنگتن حک شده

جهان بدون فقر رویای ماست

این ماموریت در عملیات، تحلیل‌ها و کارهای بانک جهانی در بیش از ۱۴۲ کشور پی‌ریزی شده و از طریق اهدافی این بانک جهت پایان دادن به فقر شدید در نسل‌ها و ترویج رفاه مشترک به شیوه‌های پایدار در سراسر جهان تقویت می‌شود.

طی دهه گذشته پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در کاهش فقر انجام گرفته و دنیا به نخستین هدف توسعه‌ای هزاره پنج سال جلوتر از برنامه تعیین شده، دست یافته است. قرار بود نرخ فقر در سال ۱۹۹۰ تا نیمه سال ۲۰۱۵ ریشه کن شود، اما این مهم در سال ۲۰۱۰ محقق شد.

با وجود چنین پیشرفتی هنوز تعداد مردمی که در دنیا در نهایت فقر زندگی می‌کنند، به‌طور غیرقابل پذیرشی بالا باقی مانده است.

* بر مبنای جدیدترین برآوردها در سال ۲۰۱۱، ۱۷ درصد مردم در کشورهای در حال توسعه با مبلغی معادل ۱٫۲۵ دلار در روز زندگی کردند. در حالی که در سال ۱۹۹۰، ۴۳ درصد و در سال ۱۹۸۱، ۵۲ درصد مردم در این کشورها با این مبلغ زندگی را گذرانندند.

* این یعنی در سال ۲۰۱۱ بیش از یک میلیارد نفر با مبلغ کمتر از ۱٫۲۵ دلار در روز زندگی کردند، این عده در سال ۱۹۹۰، ۱٫۹۱ میلیارد نفر و در سال ۱۹۸۱، ۱٫۹۳ میلیارد نفر بوده‌اند.

* بهبود و پیشرفت در وضع افرادی که در فقر شدیدبه سر می‌برند، آهسته‌تر بوده است. در مجموع در سال ۲۰۱۱، ۲٫۲ میلیارد نفر، کمتر از ۲ دلار در روز داشته‌اند، به بیان دیگر، در تعداد ۲٫۵۹ میلیارد نفر فقر سال ۱۹۸۱ کاهش اندکی رخ داده است.

افزون بر این، در حالی که میزان فقر در همه نواحی کاهش یافته اما پیشرفت حاصله ناموزون بوده است:

* شرق آسیا شاهد کاهش چشمگیری در فقر شدید بوده است، از ۷۸ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۸ درصد در سال ۲۰۱۱. در جنوب آسیا جمعیتی که در حال حاضر در فقر شدید زندگی می‌کنند، در مقایسه با سال ۱۹۸۱ در پایین‌ترین حد خود قرار دارد و از ۴ عدد درصد در سال ۱۹۸۱ به ۲۵ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده است. در کشورهای جنوب صحرای آفریقا نرخ فقر شدید از ۵۳ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۴۷ درصد در سال ۲۰۱۱ کاهش یافت.

* چین به تنهایی طی سه دهه گذشته بیشترین میزان کاهش در فقر را به خود اختصاص داده است. بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۱، درآمد ۷۵۳ میلیون نفر به بالای ۱٫۲۵ دلار در روز رسید طی همین مدت در جهان در حال توسعه به‌عنوان یک کل، کاهش فقر ۹۴۲ میلیون نفری رقم خورد.

* در سال ۲۰۱۱ بیش از ۸۰ درصد فقرا در جنوب آسیا (۳۹۹ میلیون نفر) و کشورهای جنوب صحرای آفریقا (۴۱۵ میلیون نفر) زندگی می‌کردند. همچنین ۱۶۱ میلیون نفر در شرق آسیا و اقیانوس آرام ساکن بودند.

* در همین سال، کمتر از ۵۰ میلیون نفر از افراد دچار فقر شدید در آمریکای لاتین و کارائیب، خاورمیانه و شمال آفریقا، شرق اروپا و آسیای مرکزی ساکن بودند.

این کار بزرگ هنوز تمام نشده و تعدادی از چالش‌ها به قوت خود باقی است.

برخی اوقات، دستیابی به کسانی که در فقر مطلق باقی می‌مانند، دشوارتر می‌شود، چراکه این دسته از افراد، معمولا کسانی هستند که در بافت‌های حساس و نواحی دورافتاده زندگی می‌کنند. برای اینها استفاده از مدارس خوب، بهداشت و درمان، برق، آب سالم و سایر خدمات ضروری، دست‌نایافتنی است و اغلب، مولفه‌هایی چون وضع اقتصادی اجتماعی، جنسیت، نژاد و مکان جغرافیایی در دسترسی به موارد یاد شده، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

افزون بر این، برای کسانی که قادر بوده‌اند از فقر خارج شوند، پیشرفت معمولا موقتی بوده است. شوک‌های اقتصادی، ناامنی غذایی و تغییرات آب‌وهوایی آنان را تهدید می‌کند تا آنچه را به‌سختی به‌دست آورده‌اند از دست بدهند و دوباره به فقر بازگردند. هرچه به سال ۲۰۳۰ نزدیک می‌شویم، یافتن راه‌هایی برای مبارزه با این موضوعات، بسیار مهم و حیاتی خواهد بود.